

از دیوان الشعر العربی تا دیوان النثر العربی

حبیب الله عباسی

دانشگاه خوارزمی

لأنعرف من نحن و من سنكون
إذا لم نعرف من كنا
ولذا سأقصر عليكم من كنا.

درست نیم قرن پیش تراز این آدونیس چاپ نخست دیوان الشعر العربی را در بیروت به سال ۱۹۶۴ منتشر کرد. او از کودکی در فضای شعر می زیسته و در آن نفس می کشیده است، چنان که خود در مقدمه تصریح می کند این اثر سه جلدی را برای آن تهیه و تدوین کرد تا پاسخ پرسش های شخصی اش درباره وضعیت شعر عربی باشد. عامل اصلی طرح چنین پرسش هایی ایقان وی به ارزش و اهمیت شعر عربی بوده است. در ادامه می نویسد این کار کار یک شاعر است، نه مورخ و نه دانشمند.^۱

در سال ۲۰۰۶ چاپ منقح و گسترش یافته ای از این اثر در چهار مجلد به همت انتشارات دار الساقی منتشر و در سال ۲۰۱۰ نیز اثر دیگری را در همین حوزه تحت عنوان دیوان البيت الواحد فی الشعر العربی در ۲۴۸ صفحه و قطع رقعی توسط همان انتشاراتی روانه بازار کرد، چنان که خود در مقدمه می نویسد این منتخب شعری بعد از دیوان الشعر العربی، تلاش دیگری است برای ایجاد پیوند میان گذشته شعر عربی و اکنون آن. این گزیده مبتنی بر اصل بیت واحد است، همان بیتی که بر پایه ایده، تصویر و معنی استوار است.^۲

کار سترگ و حیرت آور آدونیس در این حوزه که هنوز در نوع خود بی سابقه است، انتشار منتخبی از شعر عربی در چهار جلد با عنوان دیوان النثر العربی است که از سوی انتشارات دار بدایات سوریه در سال ۲۰۱۲ منتشر شد.

کاشف فروتن این قاره جدید در مقدمه کتاب حاضر با زبان ادبی عالی و بیان خلاق و دلپذیر خویش که بیشتر متأثر از اندیشه های دینی، عرفانی و اندیشه کسانی مانند هراکلیتوس و نیچه و هایدگراست و دیگر آثار خود مانند تصوف و سورئالیسم و متن قرآنی و آفاق نگارش، به تبیین دقیق نوشتار بنیادی قرآن در فرهنگ اسلامی و تأثیر مهم آن در این فرهنگ، یعنی شکل گیری رنسانس اسلامی در سده چهارم هجری می پردازد.

آدونیس با این اثر دیگر مثل گذشته فرهنگ عربی را مبتنی بر دو پایه اساسی دین و شعر نمی داند، بلکه

چکیده:

کتاب دیوان النثر العربی تألیف آدونیس، منتخبی از نثر عربی است که در چهار جلد توسط انتشارات دار بدایات سوریه در سال ۲۰۱۲ به زیور طبع آراسته شده است. آدونیس در مقدمه کتاب به تبیین دقیقه نوشتار بنیادی قرآن در فرهنگ اسلامی و تأثیر مهم آن در این فرهنگ؛ یعنی شکل گیری رنسانس اسلامی در سده چهارم هجری می پردازد. وی در این اثر به خوانش جدی تاریخ فرهنگ اسلامی و سرچشمه اصلی آن یعنی قرآن و برخی جلوه های جدید آن پرداخته و سهم ارزنده ای برای نثر در اعتلای فرهنگ عربی قائل است. ایشان به سه نکته مهم: جستجوی ناشناخته، آزادی تجربه و آزادی بیان توجه دارد. نگارنده در نوشتار حاضر سعی در بررسی و معرفی کتاب مذکور دارد.

کلیدواژه:

کتاب دیوان الشعر العربی، کتاب دیوان النثر العربی، آدونیس، علی احمد سعید، شعر عربی، نثر عربی، نثر صوفیه.

۱. آدونیس؛ دیوان الشعر العربی؛ بیروت: دارالساقی، ۲۰۰۶، الجزء الأول، ص ۱۵.

۲. آدونیس؛ دیوان البيت الواحد فی الشعر العربی، بیروت: دارالساقی، ۲۰۱۰، ص ۵.

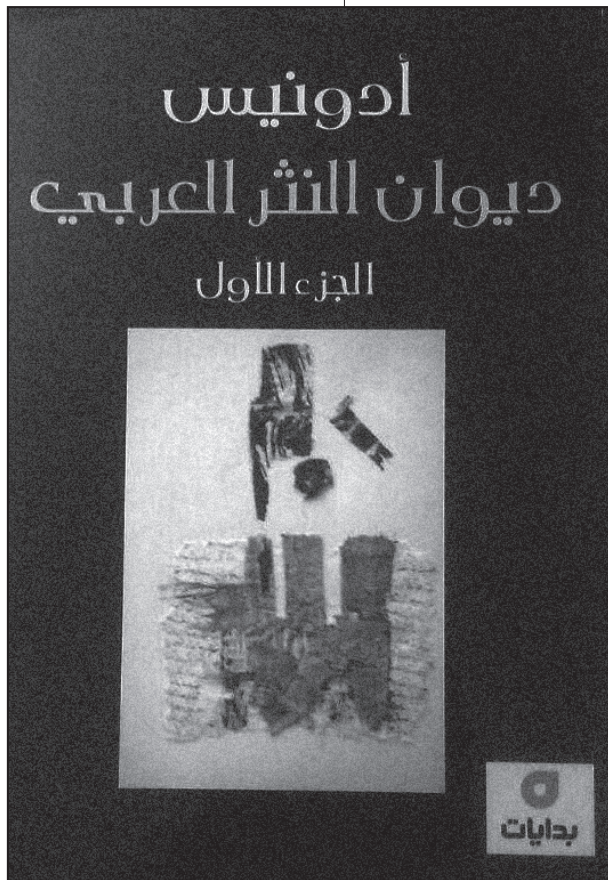
برای نثرهم سهم ارزنده‌ای در اعتلای این فرهنگ قائل است. وی در آثار مختلف خویش اعم از شعر و نثر و به‌ویژه اثر حاضر به سه نکته مهم: جست‌وجوی ناشناخته، آزادی تجربه و آزادی بیان توجه دارد. عنایت او به متون دینی و عرفانی نخست از آن‌رو است که جست‌وجوی ازل (مطلق) یا ناشناخته و بی‌نهایت را در این متون بسیار مهم می‌داند و راز رسیدن به آن را آزادی. آزادی به معنای کامل کلمه. آزادی بیان و دو دیگر از آن‌رو که به آثار دینی و عرفانی به سان راه و روشی می‌نگرد؛ روشی هستی‌شناسانه درباره مرئی و نامرئی، باطن و ظاهر. همچنین به دلیل تأثیرپذیری از این متون معتقد است حقیقت در پشت سرما نیست، بلکه در پیش رو و آینده نهفته است. او زندگی را موهبتی الهی می‌داند که یک بار به انسان داده می‌شود و انسان باید این زندگی را به شادی و سرور بگذراند. از همین‌رو در این کتاب به خوانش جدی تاریخ فرهنگ اسلامی و سرچشمه اصلی آن؛ یعنی قرآن و برخی جلوه‌های جدید آن می‌پردازد و معتقد است که اگر تاریخ‌مان را خوب نخوانیم، قادر به خواندن اکنون‌مان نخواهیم بود. البته ما و همه مسلمانان آنچنان که باید تاریخ را نخوانده‌ایم و در یک کلام خواننده‌های خوبی برای متون دینی و تاریخی‌مان نبوده‌ایم.

این دیدگاه شگفت‌آدونیس به دلیل پیوندی است که وی میان سنت غنی جهان عرب و مدرنیته برقرار کرده است و همچنین گفت‌وگوی فعالی که میان گذشته و اکنون جهان عرب جاری ساخته است. البته این همه را مدیون توغل خویش در کتاب کتاب‌های جهان؛ یعنی قرآن و درک زیبایی‌های آن و همچنین بازنگری ریشه‌ای شعر عربی از لحاظ شکل و مضمون است؛ چه کمتر شاعر عربی‌ای به میزان او توانسته به ارزش هنری قرآن پی ببرد و به طور عملی راز زیبایی قرآن را دریابد و به افق‌هایی پی ببرد که قرآن در حوزه‌های دیگر ادبی و هنری گشوده است و به همین دلیل است که به کردار بودلر فرانسوی توانسته شجاعانه بر شیوه‌های زندگی و بیان ادبی پیش از خود حمله ببرد و سخنان و کلمات وی تبدیل به تندبادهایی شوند که زندگی را به جنبش درمی‌آورد و بارانی شود که جان جان مخاطبان را با باران زلال و زیبای زبان خویش سیراب کند. بارانی که از ابرهای پیکراو می‌بارد؛ همو که توانسته شاعری باشد که در نام خود مسکن‌گزیند و در نوشته‌های شعری و تحقیقی خود مسافری باشد که نور را حمل می‌کند، برای رسیدن به نوری بیشتر.

آدونیس را بیشتر نظریه‌پرداز ادبی و شاعری محقق در حوزه شعر می‌شناسیم. هم آثار شعری و تحقیقی و نظریه‌پردازی‌های ادبی وی این دعوی را تأیید می‌کند و هم گفتگوها و مقالات و پروژه‌های فرهنگی وی که با مجله الشعر شروع شد و در مجله موافق تداوم یافت. آراء و اندیشه‌هایش بیشتر در زمینه طبیعت زبان، شعریت و خاستگاه تجربه و نوآوری در حوزه شعر عربی است.

آدونیس در نهایت نثر عربی را مورد تفقد قرار داده و آن را از نوبا ذائقه جدید خود خوانده و منتخباتی از آن در چهار مجلد با عنوان دیوان النثر العربی تدوین کرده است. این کتاب تلاش مبتکرانه‌ای است برای کشف چیزی که به دلیل سیطره طبیعت قرائت رایج و سنتی برای مدت طولانی پوشیده بوده است.

این قرائت متفاوت آدونیس از این متون سنتی، در پرتو مدرنیته از این باور وی سرچشمه می‌گیرد که شعر نورا «تموج فی ماء التراث» می‌داند. این همه ما را به یاد دیدگاه الیوت در مقاله مشهور «سنت و استعداد فردی» اش می‌افکند.



در این کتاب مرزهای بین شعر و نثر باز هستند و بدین گونه این کتاب تلاش برای شکستن هرگونه مرجعیت شعراست. این متون منتخب به ما می‌گوید که نویسندگان و شاعران بزرگ نمونه‌هایی برای رهایی از الگوها و چهارچوب‌های قبلی و خاستگاه‌ها و زمینه‌های فکری محدود پیشین به ما عرضه می‌دارند و امکان تجربه‌های جدید را برای ما فراهم می‌سازند.

آدوینس چهل سال پیش تر دیوان الشعرالعربی چهار جلدی را و اکنون دیوان النثرالعربی چهار جلدی را منتشر کرده است. او این منتخب نثر خود را از این رو دیوان می‌خواند که یکی از معانی کلمه دیوان گردآوری است. نویسنده این متون نثری منتخب خود را به ترتیب تاریخی از قدیم به جدید مرتب کرده تا دست خواننده را در یک سفر سودمند بگیرد و به تأمل در اهمیت پدیده ادبی وادارد که این متون متبلور می‌کند. همچنین او را به پیوند نثر و شعرا از یک سو و رابطه آن با متن قرآن از سوی دیگر آگاه می‌کند و در نهایت بیان می‌کند که از این متون برگزیده چنین برمی‌آید که متن قرآنی، خاستگاه و آبشخور اصلی نثر عربی با گرایش‌های مختلف آن است.

نثر عربی از افق زبان شناختی‌ای جوشید که قرآن در برابر نثری گشود و باعث پدید آمدن قالب‌ها و انواع مختلفی چون خطبه‌ها، رسائل، وصیت‌ها، حکمت‌ها، حکایت‌ها و نوادر، مقامات، متون تاریخی و متون علمی یا فلسفی یا نقدی نثر صوفیه شد. همه این نثرها از بدو امر تحت تأثیر پرتوافشانی قرآنی قرار داشتند در مدارها و افلاک متکثر و متنوع.

گرایش‌های متمرده و سرکشانه‌ای نسبت به اخذ نمونه و الگوی قبلی در نثر عربی وجود دارد. این گرایش متمرده را در کتاب‌های جاحظ، ابن مقفع، بدیع الزمان همدانی، توحیدی و دیگران شاهد هستیم و تبلور آن را به گونه‌ای خاص در نثر صوفیه. طرفه آن است که جاحظ از یک سو متمرده است و از سوی دیگر بنیان‌گذار، بنیان‌گذاری که برای پدید آوردن نمونه ادبی کوشید؛ نمونه‌ای که از ارزش‌های عربی تشکیل شده باشد. او برای تحصیل این مهم به طور یکسان در نثر و شعر کوشید، چنان‌که معروف است آثار جاحظ اساس بلاغت عربی، به ویژه علم بیان است و بنیاد نظریه انتقادی مشهور به «عمود الشعر» نیز از برساخته‌های اوست.^۳

با توجه به اینکه نثر از متن قرآنی متأثر شد، اما از شعر سرکش‌تر بود. در اینجا باید اشاره کرد که مرجعیت شعری که در نمونه برتر، یعنی معلقات متبلور بود، در برابر متن قرآن متزلزل شد و عقب‌نشینی کرد. متنی که آفاق جدیدی برای بیان گشود و با آغاز دعوت اسلامی مرجعیت جدیدی برای جستجوی نمونه‌های مناسب با ارزش‌های نو

مهیبار شعر عرب پرسش‌هایی را دوباره مطرح و از اسباب و عواملی پرس و جومی‌کند که به ولادت شعر نو عربی انجامید و به ابداع زبان جدید و متفاوت با زبان و شعر سنتی عرب. البته سیطره و هژمونی سنت بر تجربه‌های نو تا امروز تداوم داشته است. همچنین ادوینس می‌خواهد از این رهگذر روشن کند که نوآوری شعری کالایی وارداتی نیست و بیشتر از درون ریشه می‌گیرد و عوامل داخلی در شکل‌گیری آن مؤثرتر از عوامل بیرونی هستند و نیز یادآور می‌شود که تجربه نوآوری و زبان مدرن ادبی و ابداعی عربی باید از خوانش جدید سنت آغاز شود تا مشروعیت پیدا کند. بدین گونه چنان‌که خود نویسنده در مقدمه می‌آورد، خوانش وی از نثر عربی ناپسند است؛ چه با عنایت به غنا و عظمت این میراث خوانش‌های دیگری نیز باید با آن همراه شود تا این سنت گران سنگ ژرف‌تر نگریسته شود و تجربه‌های متنوع آن در بافت‌ها و افق‌های مختلف دریافت شود.

نویسنده دیوان النثر العربی به طور ضمنی از هر شاعر و نویسنده می‌خواهد که تاریخ ابداع و نوآوری زبان عربی را بخواند تا بتواند کاربردهای برجسته و مهم آن را در درون زبان خاص خود دریابد. او چندین بار تکرار کرده که شاعر نمی‌تواند زبانش را ابداع کند، مگر زمانی که به تاریخ زیبایی‌شناسی و شیوه‌های به کارگیری زبان از سوی نویسندگان مختلف در روزگاران وقوف داشته باشد.

آدوینس مواد این کتاب را در خوانش بطئی و متفاوت با خوانش‌ها و ارزیابی‌های قدیمی نثر عربی فراهم می‌آورد. به اعتقاد او زیبایی‌های ماندگار نثر عربی گاهی در جمله یا پاره یا سطر یا عبارت متبلور است و معیار گزینش وی همان قدرت روشن‌گرانه و کشف ژرف اندیشانه و نگرش متفاوتش به پدیده‌ها و اشیاء و جهان است.

شاعر سترگ عرب بیان می‌کند همچنان که هنر و نوآوری نزد فحول نثر عربی، مانند جاحظ بصری یافت می‌شد، گاهی نزد نویسندگانی که در زمان حیات خود نویسنده درجه دوم شناخته می‌شدند دیده می‌شود. گاهی این جلوه‌های هنری نثر در متون دینی رایج و امثال عربی نیز موجود است، چنان‌که در متون صوفیه ابن عربی و نفری و حلاج مشهود است. اگر نگارش صوفیه همان است که نزد نفری متبلور بوده، پس این نوع نگارش و نثر، اسلوب یگانه و متفاوت تمام روزگاران است.

هر کس دیوان النثر عربی را بخواند، خود را در برابر کتاب مرجعی می‌یابد که شامل متونی با هویت‌های متفاوت است که پرسش‌هایی درباره طبیعت نگارش در شکل‌های مختلف مطرح می‌کند.

جلد سوم و چهارم این کتاب مرجع به نثر صوفیه اختصاص دارد. در این دو مجلد با متونی آشنا می‌شویم که دارای ارزش ادبی متفاوت و زیبایی‌شناسی خاصی هستند که در ادب جدید اعم از شعر و نثر کمتر یافت می‌شود.

۳. مصطفی ناصف؛ محاورات مع النثر العربی؛ الكويت: عالم المعرفة، ۱۹۹۷، ص ۲۱۵.

ثبت شده است و نیز دیوان بر مجلس والی ای اطلاق می‌شد که برای گفتگو درباره امور سیاسی در آن گرد می‌آمدند و دیوان بر کتابی اطلاق می‌شد که شعرهای شاعر در آن جمع می‌گردید.

دیوان بر هر مجلسی اطلاق می‌شد که در آن برای انجام مصالح گرد می‌آمدند. شعر دیوان عرب شده است؛ زیرا آنان هنگام اختلافشان در انساب و جنگ‌ها و تقسیم بیت‌المال بدان رجوع می‌کردند، چنان‌که اهل دیوان هنگام اشتباه به دیوانشان رجوع می‌کنند؛ زیرا دیوان محل علوم و آداب و اخبارشان بوده است.

■ ۲ ■

پس از همه این استشهادها و ارجاعات طولانی می‌توان کلمه «دیوان» را با همه کاربردها و معانی متنوعش در معنی‌های جدید دیگری مانند دیوان النثرالعربی با استناد به معنی جمع‌آوری به کاربرد. این اثر بر غنای میراث نثر عربی شاهد است و نیز بر تنوع و اعتلای آن از لحاظ زیبایی‌شناختی و زبانی. امیدوارم این همه ما را به خوانش‌های دیگری از این سنت عظیم از زوایای مختلف رهنمون شود.

چنان‌که از این اثر برمی‌آید، نثر عربی از فرهنگ فربه و پیچیده‌ای سرچشمه می‌گیرد که جاحظ آن را چنین توصیف می‌کند: «فرهنگ ذهن‌های لطیف و تدبیرهای شگرف و علوم غریبه». بنابراین نثر پدیده‌ای شهری. مدنی است.

اساساً نثر به خواننده متوجه است. اگر نشأت شعرامری طبیعی یا فطری باشد، پس نثر از حیث نشأت امری ساختگی است، اما هر دو در تحول و تکامل تا حدودی همزمان طبیعی و ساختگی هستند. این اثر نثر را از سیطره شعرا از لحاظ معنی و معیارهای آن خارج می‌کند، به گونه‌ای که نثر و وزن را بر یک میز که همان نگارش است قرار دهد.

چنان‌که از این اثر برمی‌آید، در نثر ایده نمونه وجود ندارد و نیز آنچه که پیوند ارگانیک زندگی و تجربه را به حافظه مربوط سازد. این همه بدین معنی است که نثر یک فرهنگ است، به معنی عمیق و گسترده کلمه، چنان‌که سخن جاحظ بدان اشاره دارد و بدین گونه رابطه نثر با جامعه چنان‌که در شعر معمول است بر اساس حافظه نیست، بلکه بر قرائت مبتنی است. پس به خواندن تورا فرامی‌خوانم ای خواننده راستین.

■ ۳ ■

درباره نثر صوفیه باید یادآور شد که بخش‌هایی از متون صوفیه را برگزیدیم که به رهایی از احکام رایج تصوف مدد می‌رساند. این احکام بیشتر سطحی‌اند، به ویژه آن دسته که برخی متفکران عرب آنها را عقلانی می‌خوانند و دسته‌ای که متدینان سلفی آنها را دینی می‌نامند و آن دسته که برخی از نویسندگان حوزه سیاست آنها را پیشروانه می‌دانند. هرگز تصوف چنان‌که برخی خردمندان می‌پندارند سحر یا

در همه حوزه‌های فرهنگی و از جمله حوزه ادب اعم از شعر و نثر پدید آورد. تمدد در شعر در مراحل پی در پی در دوره‌های عباسی، به ویژه در سروده‌های شاعرانی مثل بشار و ابونواس و شعر شاعرانی مانند ابوتمام، ابن رومی و متنبی و ابوالعلاء معری و دیگران متبلور شد.

منتخبات ادونیس در دیوان نثر عربی خواننده را به تفریح، التذاذ و تأمل فرامی‌خواند. این منتخبات خواننده‌اش را در برابر بافتی از تحولاتی قرار می‌دهد که فرهنگ عربی در سده‌ها و ادوار مختلف شاهد آن بوده است و او را وادار می‌کند تا به ادب عمیق‌تر بنگرد و به تاریخ علم و فلسفه توجه بیشتری کند. این کتاب دیوان نثری است که شعرا را در آغوش می‌گیرد و خواننده را به مشاهده دقیق مفاهیم مربوط به نثر و شعر وادار می‌کند، چنان‌که او را به ژرف‌نگری در عناصر هنری شعر و نثر به طور همزمان فرا می‌خواند.

این بار ادونیس پس از تجربه دیوان الشعرالعربی در چهار جلد، به پژوهش در قاره ناشناخته نثر زبان عربی می‌پردازد و منابع میراث کهن نثر عربی را کشف می‌کند و «عقد الفرید» معاصر عرب را به نام دیوان النثر العربی در چهار جلد منتشر می‌کند. خود در مقدمه آن چنین می‌نویسد.

■ ۱ ■

به پندار من نثر عربی، به ویژه در ابعاد هنری آن قاره‌ای ناشناخته است. این همه تنها به سیطره و هژمونی شعر بازمی‌گردد، بلکه به علت عینی مربوط است: ساختار نثر از لحاظ تاریخی به مفهوم نوشتار بنیادی نزدیک‌تر است و ساختار شعر از لحاظ تاریخی به مفهوم گفتار بنیادی. برای مثال نمی‌توانیم نثر را در قالب‌ها یا افاعیل عروضی قرار دهیم تا حفظ و روایت آن به راحتی میسر شود، چنان‌که در شعر ممکن است. بدین گونه نمی‌توانیم نثر را به دیگران منتقل کنیم، چنان‌که شعرا منتقل می‌کنیم.

اصلی اساسی در نهاد فرهنگی عربی وجود دارد که بر عقل‌ها و آراء و احکام جهان عرب سیطره دارد و آن این است که: «هرچه از بعد بیاید بی معنی است، مگر وقتی که با آنچه از قبل بوده مطابقت داشته باشد». این دیوان تداوم و استمرار چیزی است که در این عرصه بدان قیام کرده‌ام. تأکید و تأییدی دیگر است بر ضرورت خروج کلی از اسارت این اصل به سوی نقیض آن: آنچه از بعد می‌آید، بی معنی نیست، اگرچه با آنچه از قبل بوده مطابقت نداشته باشد.

در لسان العرب آمده که دیوان معرب کلمه فارسی است و به معنی محل گردآوری کتاب‌ها و دفتری که نام سپاهان و بخشندگان در آن نوشته می‌شد.

در فرهنگ محیط‌المحیط نیز آمده: «دیوان به معنی جریده است. فلانی از اهل دیوان است؛ یعنی از کسانی است که اسم وی در جریده

جادو نیست و چنان که برخی سلفی‌ها و بنیادگرایان معتقدند کفر یا زندقه یا ارتداد نیز نیست و چنان که برخی پیکارجویان و سیاست‌مداران می‌پندارند تصوف عزلت‌جویی و درویشی نیست. تصوف جریانی است که اصحاب خود را در حالت رهایی کامل در همه سطوح قرار می‌دهد.

تصوف در درجه نخست نظامی مبتنی بر هماهنگی و عشق است. هر فرد آن را بدون میانجیگری و وساطت دیگران کشف می‌کند. تصوف نظامی مبتنی بر نفی اصل سلطه و هر نمونه و اصل آماده از قبل است. تصوف قلمرو شناختی‌ای برای ویران کردن سلطه جهان بیرون و بنای سلطه قلب است. این معرفت نقیض معرفتی است که پیوند استواری با قدرت دارد؛ زیرا این معرفت در تصوف تجسم حریت است، در حالی که سلطه و قدرت تجسم استبداد است. بدین گونه این تصوف بر تغییر حیات و زندگی عمل می‌کند. با شروع از تغییر فرد پس تغییر حیات. عین، منوط به تغییر زندگی - ذهن است.

در این افق تصوف ضمن آنکه جنبش شناختی، فکری است، جنبشی هنری نیز هست. ابداع هنری مانند تصوف در اصل همان ابداع شناختی است. تصوف تجربه معرفت و کشف و تجربه آزادی و رهایی است. ابداع آن است که به چیزی که متولد نشده حیات ببخشیم، در حالی که از همه انواع الزامات و اکراهات رها شویم. تصوف آن است که بیرون از راه‌های شناخته شده ابتکار و با قدرت تحلیل راه‌های جدیدی برای اکتشاف اقلیم‌های شناختی نوباز کنیم.

اگر هر نوع ابداعی سرآغازی هست، پس تصوف رفض و نفی آغازین هر نوع قدرتی است؛ خواه آن قدرت دینی، فکری، سیاسی یا اجتماعی باشد. هر ابداع آغازگر خالی از هرگونه قواعد و الگوهای قبلی است. نثر صوفیه را باید در این چارچوب خواند. خواننده در خواهد یافت که نثر از شعر صعب‌تر است و نثر صوفیه چنان که فلور می‌گوید اوج هنر نگارشی است. نثر صوفیه جمال‌شناسی متنوع و عالی‌ای را متبلور می‌کند که در شعر کمتر بدان دست می‌یابیم.

نثر صوفیه انفجار زبانی‌ای درون نگارش عربی است، کیمیایی در نثر صوفیه است که به ابتکار اشکالی از بیان انجامید که آنها را در شعر نمی‌یابیم. نثر صوفیه کیمیایی است که از نثر فضای فراخ و بی‌پایان بر اشیاء و اشکال مجهول می‌گشاید. بدین گونه چنین می‌نماید که گویی نثر صوفیه در یک آن، هم احساسی ژرف و همفکری نواست و هم پذیرش تحول.

نثر صوفیه نیز مؤید این حقیقت است که این وزن شعر عربی نیست که به تنهایی معنی شعریت عربی را به نحو کامل و پیچیده تجسم می‌بخشد. بسیاری از نثرهای ادبی عربی دارای جوهره شعریت لازم هستند. اغراق نکرده‌ام اگر بگویم شعریتی در این نثر صوفیه وجود دارد که جز اندکی از آنچه موزون می‌شناسیم با آن برابری نمی‌کند. نمونه‌هایی از این نثر صوفیه می‌تواند از سرچشمه‌های اولیه نگارش شعری عربی باشد.

می‌دانیم که شعریت موزون بر عروض مبتنی است. اصطلاح عروض امری متأخر است؛ یعنی شعر بر عروض مقدم است. این اصطلاح به علل و اسبابی چند در دوره کلاسیک گسترش یافت؛ علل و اسبابی که تعلیل و تأویل آنها در سطح تاریخی تمدنی ممکن است. به دلیل سیطره علم عروض، وزن از عوامل ذاتی شعر به شمار آمد، در حالی که وزن از لحاظ هنری جوهره شعر به حساب نمی‌آید.

همچنین می‌دانیم که نوگرایی از لحاظ ابداعی و کشفی جوهره انسان و زندگی است. نوگرایی طبیعت دومی است که ملازم طبیعت اولیه ماست. مدار نوگرایی در سطح نگرش، اکتشاف عوامل ناشناخته یا شناخت مناطق ناشناخته از عوامل شناخته شده در سطح بیان است.

تاریخ هنر نزد همه ملت‌ها، همین گسست‌ها و پیوندهاست. گسست از معروف‌ها باعث کشف مجهول می‌شود و موجب ایجاد پیوندهای جدید میان آنچه که دریافتیم و آنچه که نمی‌شناسیم. تاریخ ابداع

لحاظ جهان‌شناسی با شعر برابری می‌کند و ما را به نوآوری تعطیل شده و مهممل انگاشته درازمدت عرب رهنمون می‌شود تا به کشف شبه قاره ناشناخته نثر عربی نائل آییم و بتوانیم در آن نقبی بزیم و گنج‌هایی از آن استخراج کنیم؛ گنج‌هایی مانند:

۱. «كلما اتسعت الرؤية ضافت العبارة»، النفری.^۵

۲. «احسن الكلام ما كان صفوالعقل من ناحیه المعنی و عفو الطبع من جهت التألیف فیجتمع فیہ صواب المراد و حلاوة الایراد»، الکندی.^۶

این اثر مصداق «مفرد به صیغه جمع» است، چه در آن جمع‌هایی مانند علی^(ع) و سلمان فارسی، جاحظ، توحیدی، معری، اکثم بن صیفی، فراهیدی را در کنار طبری، ابن کثیر، ابن خلدون، ابن مقفع، ثعالبی، اصفهانی و ابن عربی، نفری، حلاج، جنید و نهرجوری را می‌یابیم که همگی تحت یک اثر به نام دیوان النثر العربی گردآمده‌اند.

این اثر را می‌توان به قرینه حماسه ابوتمام حماسه ادونیس خواند. شاعر در این اثر در پی تکرار و احیای نوآوری تعطیل شده به دست هلاکوی مغول با سقوط بغداد و تداوم آن به سبب جنگ‌های صلیبی و سیطره حکومت عثمانی براقالیم عربی به مدت چهار سده است. او به تعبیر جرجانی می‌خواهد از جمادات، زنده گویا و از پیکرهای لال، زبان‌آوری توانا بسازد و خوان گسترده و پر نعمتی به خوانندگان تقدیم کند.

انسانی در همین فوران کشف مختلف‌ها و مؤتلف‌ها نهفته است.

■ ۴ ■

همچنین می‌دانیم که تجربه نگارشی شعری که در نیمه دوم سده دوم بنیان نهاده شد و شعریت عربی را آغاز کرد از مسائل زیرپرده برداشت.

نخست: از سیطره علم عروض در میدان عمل و تجربه کاسته شد؛ از سیطره مرده ریگی که همیشه نوع شعری عرب را تحدید می‌کرده است. امروزه میل طبیعی شاعران عرب به نگارش شعر منشور بیشتر است و همچنین به اهمال، جانب علم عروض یا فرارفتن از آن گرایش بیشتری دارند. این شاعران به جای تکیه و تأکید بر مفهوم سنتی شعر بر مفهوم متن تأکید می‌کنند و به جای آنکه مقهور سیطره وزن باشند، به جنبش نثر روی می‌آورند. پس از این، به جای آنکه همانند سنتی‌ها میان شعر و نثر تمییز نهند، میان نظم و شهر فرق نهادند و شیوه به کارگیری وزن را مقیاس این تمایز ساختند.

دوم: این نثری که شاعران تجربه می‌کنند از لون دیگری است. باید چشم انتظار منتقد بصیر و خلاق نشست که بنیادهای هنری و آفاق زیبایی‌شناختی آن را برای ما روشن سازد. اگرچه برخی از آنان با اصرار تمام می‌گویند که این نوع نثر شعر نیست، به طور یقین نیز می‌توان گفت که نثر معمولی نیز نیست، بلکه نوعی نگارش جدید است.

سوم: آثار این شاعران اصطلاح جدیدی در پی داشت و آن اصطلاح نگارش است که اصطلاح عربی خالص است. فن انشاء، یعنی آفرینش نه بر اساس نمونه و الگو، مهممل مانده بود. انشائیت صفتی بیرون از نگارش شعری نیست، بلکه این فن نیز از صفات درونی آن است. انشاء همان نگارش سنتی است، اما با این تفاوت که در ساختار خود مجموعه خصائصی را محقق سازد که از نگارش معمولی متمایز و دارای ویژگی نگارش هنری شعری است.

چهارم: بدون تردید آثاری وجود دارد که شعر محض هستند، اما آنها را نمی‌توان در انواع ادبی سنتی شعر جای داد؛ چه نه نثری مثل نثر معهود است و نه نظم مثل نظم معمول، بلکه نگارشی متفاوت است. امروزه این آثار پرسش برانگیزتر و در عرصه نگارش ادبی ریشه دارترند. نثر صوفیه جهان جدیدی از روابط میان زبان و هستی و زبان و انسان خلق می‌کند. چنین روابطی میدان شناخت نوآوری متن هستند و شعری که چنین روابط جدیدی را خلق نکند کهنه است؛ اگرچه در همین لحظه کنونی نوشته شود.^۴

فرجام سخن

در پایان گفتنی است که مهیار شعر عرب ما را از رهگذر منتخب ۱۷۵۰ صفحه‌ای نثر عربی در برابر صدها متن نادر و نفیسی قرار می‌دهد که از

۵. همان، ج ۲، ص ۲۵۶.

۶. همان، ج ۱، ص ۳۵۸.

۴. ادونیس؛ دیوان النثر العربی؛ دمشق؛ دار بدایات، ۲۰۱۲، الجزء الاول، ص ۵-۱۵.